



Woman in Culture and Arts

The Sociological Representation of Women's Interactions in Mohammad Hejazi's Novels (Homa, Ziba, and Parichehr) Based on the Approach of Kress and Van Leeuwen

Hamideh Dehghani¹ | Arman Heidari^{2✉} | Reza Rezaeei³

1. PhD of Sociology, Educator in Bushehr, Bushehr, Iran. E-mail: dehghanih20@gmail.com

2. Corresponding Author, Department of Sociology, Faculty of Literature & Humanities, University of Yasouj, Yasouj, Iran. E-mail: alheidari2011@yu.ac.ir

3. Assistant Professor Department of Language and English Teaching, Faculty of Literature & Humanities, University of Yasouj, Yasouj, Iran. E-mail: reza.rezaei1@yu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 23 August 2023 Received in revised form: 12 February 2024 Accepted: 8 January 2025 Published online: 1 July 2025 Keywords: mmmann nnnnoimeeee æssss Novels, Keres and Van Leeuwen, Representation of Women Trilogy.	Although many studies have been conducted about women, analyzing their interactions in various contexts almost remains unknown and shrouded in ambiguity. Undoubtedly, one of the most essential areas for increasing awareness of such interactions is exploring the content of novels. The main aim of the present study is to analyze the representation of women's interactions and relationships in Mohammad Hejazi's three Novels (Homa, Prichehr, and Ziba), which were written during the first Pahlavi period. The research procedure employed was Kress and Van Leeuwen's social semiotic approach, as well as critical discourse analysis. The unit of analysis was the "sentence," and the concentration was on identifying related statements and codifying them thematically. The research findings were presented in three dimensions: synthetic, interactive, and representational meta-roles. It is possible to assert that the triple signifiers of religion, tradition, and modernity are in an antagonistic relationship, as evidenced by the diverse representations of women. Therefore, it appears that both conventional and contemporary discourses are concurrently shaping the identities and interactions of women. Women are depicted in dual categories of superior/inferior, active/passive, and weak/strong. and undergo distinct "intra-gender" and "inter-gender" relationships. The overarching conclusion is that the women in Hejazi's stories are not passive objects; rather, they act in a variety of ways in accordance with their positions and employ strategies to confront and resist the pervasive patriarchal social climate. Therefore, it is impossible to simplify the diverse manners and enforcements of all women under a general and all-encompassing communication pattern, as not all women exhibit similar interactional patterns.

Cite this article: Dehghani, H., Heidari, A., & Rezaei, R. (2025). Sociological representation of women's interactions in Mohammad Hejazi's novels (Homa, Ziba, and Parichehr) based on the approach of Kress and Van Leyen. *Woman in Culture and Art*, 17(2), 195-213. DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2024.364083.1959>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2024.364083.1959>

Publisher: The University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

زن در فرهنگ و هنر

بازنمایی جامعه‌شناسانه تعاملات زنان در رمان‌های محمد حجازی (هما، زیبا، پریچهر) براساس رویکرد کرس و ون لیون

حمیده دهقانی^۱ | آرمان حیدری^۲ | رضا رضایی^۳^۱. دکتری جامعه‌شناسی و دبیر آموزش و پرورش شهرستان بوشهر، بوشهر، ایران. رایانامه: dehghanih20@gmail.com^۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. رایانامه: alheidari2011@yu.ac.ir^۳. استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. رایانامه: reza.rezaei1@yu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰	هرچند مطالعات زیادی درباره زنان انجام گرفته، تحلیل کمیت و کیفیت مناسبات و تعاملات زنان در بسترهای گوناگون همچنان ناشناخته و در حاله‌ای از ابهام مانده است. یکی از مهم‌ترین زمینه‌های شناخت چنین تعاملاتی، پهنه گسترده رمان‌ها است. هدف مطالعه حاضر، تحلیل نحوه بازنمایی تعاملات و مناسبات زنان در رمان‌های سه‌گانه محمد حجازی مربوط به دوره پهلوی اول است. روش پژوهش، تحلیل گفتمان انتقادی با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی کرس و ون لیون است. واحد تحلیل جمله و کانون تحلیل، مضامین مرتبط با انواع تعاملات زنان در رمان‌های مذکور است. یافته‌ها در سه بعد فراتنش بازنمودی، تعاملی و ترکیبی گزارش شده است. در کل می‌توان گفت انواع بازنمایی‌های زنان بیانگر رابطه‌ای تخصصی بین دال‌های سه‌گانه دین، سنت و مدرنیته است. به تعبیری، هردو گفتمان سنتی و مدرنیته به موازات هم شکل‌دهنده هویت و تعاملات زنان هستند. زنان در دسته‌بندی‌های ضعیف- قوی، فعال- منفعل و فرادست- فرودست بازنمایی شده‌اند و روابط درون‌جنسیتی و بین‌جنسیتی متفاوتی را تجربه می‌کنند. نتیجه‌گیری کلی تحقیق این است که زنان داستان‌های حجازی ابره‌های صرف و منفعل نیستند، بلکه بسته به جایگاهشان متفاوت عمل نموده و تاکتیک‌هایی را برای مقابله با جو اجتماعی مردسالارانه فراگیر اجرا می‌کنند؛ بنابراین همه زنان الگوهای کنشی و تعاملاتی مشابهی ندارند و انواع کارویژه‌ها و تعاملات آنان را نمی‌توان ذیل یک الگوی ارتباطی کلی و فراگیر ساده‌سازی کرد.
کلیدواژه‌ها: بازنمایی زنان، تریلوژی، تعاملات زنان، رمان‌های حجازی، کرس و ون لیون.	

استناد: دهقانی، حمیده، حیدری، آرمان، و رضایی، رضا (۱۴۰۴). بازنمایی جامعه‌شناسانه تعاملات زنان در رمان‌های محمد حجازی (هما، زیبا، پریچهر) براساس رویکرد

کرس و ون لیون. زن در فرهنگ و هنر، ۱۷ (۲)، ۱۹۵-۲۱۳. DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2024.364083.1959>DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2024.364083.1959>

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

در دوران اخیر زنان به دلیل وضعیت‌های خاص جنسیتی، اجتماعی، موضوع مطالعات متعدد بوده‌اند. با این وجود، همه مسائل زنان به اندازه کافی بررسی نشده است. برای مثال، برخلاف موضوعاتی مانند طلاق، خشونت خانگی، مسائل زنان سرپرست خانوار و موضوعاتی از این دست که حجم عظیمی از مطالعات را به خود اختصاص داده‌اند، دامنه و کیفیت روابط، تعاملات و مناسبات زنان، به ویژه آن گونه که در متون تاریخی- ادبی بازنمایی شده، کمتر بررسی شده‌اند (Mokhtari & Dehghani, 2021; Mousavi & Zahedian, 2013). در صورتی که حصول و تحقق توسعه بدون مشارکت همه جانبه زنان و مشارکت آنان نیز بدون برطرف کردن موانع ارتباطی آنان امکان پذیر نیست.

بر اساس معیار دیگری، مسائل زنان را می‌توان از منظری ذهنی، عینی یا عینی- ذهنی بررسی کرد. منظر ذهنی بر ادراکات، ارزش گذاری و تعریف و توصیف مشکل اجتماعی؛ و رویکرد عینی، برعکس، بر شرایط واقعی نمود و بروز مسائل تمرکز می‌کند (Mertent, 1997: 23). رویکرد عینی- ذهنی، متأثر از دیدگاه پدیدارشناسی، بر درهم تنیدگی و تأثیر متقابل دائمی عین و ذهن مبتنی است (Abbaszadeh et al., 2020). از این منظر، می‌توان گفت تا زمانی که بینش‌ها و نگرش‌های منفی کلیشه‌ای و شی‌واره تغییر نکند، ارزش‌های اجتماعی زنان نادیده گرفته شود و مشکل داربودن روابط زنان به سطح باورها ارتقا پیدا نکند، حتی تغییر شرایط و وضعیت واقعی و عینی زنان تغییر چندانی در جایگاه و هویت اجتماعی آنان ایجاد نمی‌کند.

بدون شک، یکی از امکان‌های مناسب برای شناسایی و بازنمایی ادراکات و انگاره‌های ذهنی جنسیت‌بنیاد، قرائت و ارزیابی آثار و یادگارهای فرهنگی مانند مثل‌ها، کتاب‌های درسی، فیلم‌ها، مجلات و رمان‌های رایج هر دوره است. رسانه‌هایی که به نظر می‌رسد تاکنون از ارائه چهره‌ای موفق از زن ایرانی عاجز بوده‌اند و تنها به نمایش یک تصویر کلیشه‌ای و منفعل از زنانی بسنده کرده‌اند که درگیر عشق‌های زنجیره‌ای و تن‌واری زنانه هستند. در بین یادگارهای فرهنگی متنوع، رمان اثر و ویژگی‌های خاص خود را دارد. از طریق رمان، با احساسات و روابطی روبه‌رو می‌شویم که از دایره توجه ما خارج بوده‌اند. رمان‌ها به خواننده اجازه می‌دهند تا تفسیرهای خود را از آنچه بین خطوط نهفته است ارائه دهند؛ چرا که از بسیاری جهات، روایت وسیع‌تر و بزرگ‌تر از چیزی است که در صفحات رمان به آن اختصاص داده شده است (Grafström & Jonsson, 2019).

هنری جیمز^۱، منتقد ادبی قرن بیستم، می‌گوید روایت در یک رمان براساس دو عامل انتخاب^۲ و حذف^۳ شکل می‌گیرد. رمان‌نویس با انتخاب یک زاویه دید مجبور به انتخاب رویدادها، شخصیت‌ها و توصیف‌هایی است و طبیعی است که در کنار این انتخاب‌ها، حذف‌های بسیار بیشتری انجام می‌پذیرد (Najoomian, 2006: 53). از این‌رو در رمان آنچه گفته نمی‌شود، به اندازه آنچه گفته می‌شود اهمیت دارد. رمان‌های زنانه را نیز می‌توان شکلی از بازنمایی دانست که توانسته‌اند جهان زنانه‌ای را به تصویر بکشند که در آن مسائل و دغدغه‌های زنان از محیط پیرامونشان بازنمایی شده است. این رمان‌ها بیانگر مسائل و تنش‌هایی کاملاً ملموس در زندگی زنان هستند (Fazeli, 2013: 64).

مطالعه حاضر نحوه بازنمایی روابط و مناسبات زنان را در رمان‌های محمد حجازی (هما، زیبا، پرچهره)، مربوط به دوره پهلوی اول، با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی شناسایی و ارزیابی می‌کند. تمرکز بر این دوره از این نظر اهمیت دارد که آغاز آشنایی جامعه ایران با اندیشه‌ها و اصول جوامع غربی است. همچنین زنان و الگوهای تعاملاتی آنان در تحلیل‌های تاریخی انجام گرفته مربوط به این دوره حضور پررنگی ندارند. از این‌رو، تحلیل نحوه بازنمایی زنان و الگوهای تعاملاتی آنان در این دوره از تاریخ ایران که «به دلیل تلاش حکومت برای تأسیس دولت مدرن و گسترش غرب‌گرایی، یک مقطع دوران ساز و مؤثر در شکل‌دهی بنیان‌های فکری ایران نوین به‌شمار می‌رود» (Alizadeh & Tarafdari, 2020: 103)، می‌تواند به درک و فهم باورهای روشنفکران ادبی این دوره درخصوص زنان و دامنه تغییر و تحولات زندگی و تعاملات آنان کمک شایانی کند.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. پیشینه تجربی

صیادی‌نژاد و مرتضائی (۱۳۹۶) با بررسی «سیمای زن در آثار فریبا وفی و سحر خلیفه» پی بردند که این دو نگاهی خوش‌بینانه به زن و چهره‌ای ناخوشایند برای مردان ترسیم کرده‌اند. کریمی سنگدهی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی دیگر نتیجه گرفتند که دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی تأثیر بسیاری بر دیدگاه نویسندگان زن در پرداخت شخصیت‌ها و مسائل زنانه دارد و تحول محتوای رمان‌ها منطبق با تحولات جامعه و متأثر از آن است. در خصوص خشونت علیه زنان نتایج پژوهش صادقی شهیری و مهدی‌نژاد (۱۳۹۹) نشان داد زنان سستی خشونت را تاب می‌آورند؛ درحالی که زنان مدرن با خشونت علیه زنان مبارزه می‌کنند. گسمن (۲۰۰۶) نیز در پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان

1. Henry James
2. Selection
3. Discrimination

الگوهای تغییر یافته نقش زنان در داستان‌های تاریخی را تشخیص داد، به این نتیجه رسید که نمونه‌های کمی از زنان در نقش‌های مردانه و تعداد اندکی با تحصیلات رسمی یا به عنوان حلال مشکلات بازنمایی شده‌اند و بیشتر شخصیت‌های زنان به عنوان همسر یا مادر و اندرونی به تصویر کشیده شده‌اند. گوردن (۲۰۱۳) با بررسی رمان *هزار خورشید پرزرق*، بازنمایی حقیقت سبک زندگی زن افغان، اعتقادات، درگیری‌ها، تعاملات، سطح مقاومت و تبعیض جنسیتی علیه آنان را نشان می‌دهد. نگتیک (۲۰۱۵) در «تحلیل بازنمایی شخصیت‌های زن در تعدادی از رمان‌های توماس هاردی» اذعان کرد که هاردی هیچ تصویر خیالی یا ایدئالی از شخصیت‌های زن نشان نمی‌دهد، اما توضیح می‌دهد که چگونه هنجارهای جامعه سبب می‌شود زنان به شیوه‌های خاصی زندگی کنند. کیرن و اوآن (۲۰۱۷) در «تحلیل گفتمان انتقادی رمان *غرور و تعصب* و پیش‌داوری‌های جین آستین» به این نتیجه رسیدند که جین آستین نگران این است که در جامعه او، با زنان طبقه بالا مثل یک خدای مهربان رفتار می‌شود و ازدواج یکی از مهم‌ترین بخش‌های جامعه انگلیس است، ولی زنان را در اوایل قرن ۱۹ گرفتار جنسیت‌گرایی انگلیس می‌داند و آن‌ها را کاملاً پیچ‌پچه‌گو، دروغگو و احمق نشان می‌دهد.

در مجموع می‌توان گفت مطالعه‌ای به معنای خاص پیرامون بازنمایی تعاملات و مناسبات زنان در رمان‌های معاصر انجام نشده است. بعلاوه مطالعات پیشین هم در انتخاب موضوع و هم در گزارش نتایج پایانی، بیانگر نوعی کلی‌گویی هستند. به این معنی که ابعاد مختلف زندگی زنان، به طور خاص کمتر موضوع مطالعات بوده است. در نتایج پایانی نیز وضعیت یک گروه یا طبقه از زنان به کل زنان منتسب شده است. مطالعه حاضر در وهله اول با مطالعه خاص و پرداختن فقط به بازنمایی مناسبات و تعاملات زنان در رمان به عنوان بخشی از تجربه زیسته آنان، از مطالعات پیشین جدا می‌شود. در نتایج پایانی نیز سعی دارد مناسبات زنان را با توجه به موقعیت‌ها و جایگاه‌های اجتماعی آنان تحلیل کند.

۲-۲. چارچوب مفهومی

۲-۲-۱. تحلیل گفتمان انتقادی

در تحلیل انتقادی گفتمان، نظریه و روش در هم تنیده هستند. این رویکرد می‌تواند جنبه‌های اغلب ناگفته و ناشناخته رفتار انسانی را آشکار کند و گفتمان‌های پنهان و مسلط که موقعیت‌های حاشیه‌ای را در جامعه حفظ می‌کنند، برجسته سازد (Munawar, 2018). این گفتمان همچنین به دنبال کشف روابط قدرت و نشان دادن نابرابری‌های نهفته در جامعه است. البته انتقاد نه به معنای رایج کلمه یعنی ایرادگیری یا منفی‌بودن بلکه به معنای بدیهی‌نگرفتن مسائل، سرآغاز پیچیدگی، به چالش کشیدن

تقلیل گرایی، جزم گرایی، دوگانگی و خودانعکاسی بودن در تحقیقات است (Amoussou, 2018). بنابراین انتقادی بودن بیانگر نوعی شک گرایی و دنبال پیشنهاد جایگزین ها است. گفتمان هم یک نظام بازنمایی است که از لحاظ سیاسی و اجتماعی بسط می یابد تا مجموعه ای منسجم از معانی را درباره یک موضوع مهم به وجود آورد و توزیع کند. در تحلیل گفتمان، فرض بر این است که بازنمایی هیچ وقت خنثی نیست و هر بازنمایی ای شیوه خاصی از دیدن را طبیعی جلوه می دهد (Mohammadzadeh, 2020: 99). از این منظر تأثیر بازنمایی بر دنیای واقعی و تأثیر واقعیت های اجتماعی بر بازنمایی، کارکردی ایدئولوژیک دارد.

۲-۲-۲. بازنمایی

بازنمایی یک عمل مرکزی است که فرهنگ را تولید می کند و مرحله ای کلیدی در چرخه فرهنگ محسوب می شود (Mehdizadeh, 2008: 15). ون زونن با نقد نحوه بازنمایی و کلیشه سازی زنان در رسانه ها می نویسد: «واضح است که بسیاری از جنبه های زندگی و تجارب زنان، به خوبی در رسانه ها منعکس نمی شوند. زنان بسیار بیشتر از آنچه رسانه ها می گویند کار می کنند. زنان بسیار کمی نسبت به آنچه رسانه ها نشان می دهند، فتنه گرد و تمایلات زنان بسیار بیشتر از امور خانه و خانه داری است که نشریات سنتی زنان می گویند (Van Zonen, 2004: 161). بازنمایی زنان در برخی رسانه های جمعی و البته نه پیوسته با نقش های کلیشه ای فرهنگی در جامعه سازگاری دارد. بدین ترتیب که معمولاً مردان به صورت انسان هایی مسلط، فعال، مهاجم و مقتدر، و زنان معمولاً تابع، منفعل، تسلیم و کم اهمیت به تصویر کشیده می شوند. تصاویری که با بازنمایی کلیشه ها یا تصورات قالبی جنسیتی بر ماهیت نقش جنسی و عدم برابری جنسی صحنه می گذارند (Moinifar, 2009). به علاوه، معنایی که به واسطه نظام بازنمایی تولید و منتشر می شوند، پیوند تنگاتنگی با مناسبات قدرت پیدا می کنند. آن ها معمولاً از طریق مشروعیت بخشی یا مشروعیت زدایی، در خدمت تحکیم یا تخریب مناسبات قدرت قرار می گیرند (Hall, 2014).

۲-۲-۳. رویکرد کرس و ون لیون

کرس و ون لیون برای تدوین نظریه و روشی برای تحلیل متون چندوجهی (Jorgensen & Phillips, 2018: 111)، دو الگوی بازنمایی روایی و مفهومی را معرفی می کنند. الگوی روایی بر رویدادها و کنش های مربوط به مشارکان در متن و الگوی مفهومی، بر بازنمایی ایستا یا بی زمان آنان متمرکز است. در پرتو الگوی بازنمای روایی، جنبه های روابط، کنش و واکنش، فعال یا منفعل بودن و

متعامل یا غیرمتعامل بودن کنش‌های مشارکان متن و در الگوی بازنمایی مفهومی، ساختارهای مفهومی و جنبه‌های تعریف، تحلیل یا طبقه‌بندی مشارکان (شامل افراد، مکان‌ها و اشیا) مطالعه می‌شود (Furqani & Akbarzadeh Jahormi, 2011: 132). فرانقش تعاملی شاخص مهم دیگر است که با این سروکار دارد که معناها چگونه به شخصیت‌ها و بیننده موقعیت می‌دهند. برای مطالعه این سطح از معنا، ملاحظه سه مؤلفه «تماس»، «فاصله» و «زاویه دید» مورد نظر کرس و ون لیون مهم است. زاویه دید نگاه کردن به مخاطب یا نوع نگاه بازنمایی شده در تصویر است. تماس بیانگر نوع رابطه بین نگاه و مخاطب است که ممکن است معانی و حالت‌هایی مانند تمسخر، خشم و ترحم را در خود داشته باشد. مؤلفه فاصله نیز بیانگر نزدیکی یا دوری افراد، مکان‌ها و اشیای به تصویر کشیده شده به ما است (Ibid: 137). بر اساس این شاخص، روابط اجتماعی سوژه مورد مطالعه، دوری یا نزدیکی به دیگر سوژه‌ها و در کل فضای زیسته آن‌ها بررسی می‌شود. آخرین شاخص، فرانقش متنی است که بر این متمرکز می‌شود که چگونه معانی در درون متنی پویا ردیف، ادغام و به یکدیگر پیوند داده می‌شوند. کرس و ون لیون سه عنصر ارزش اطلاعات، تنظیم قاب‌ها و برجستگی را در فهم معنای متنی یا همان ترکیبی حائز اهمیت می‌دانند (Barekat & Shafiee, 2020: 72).

۲-۲-۴. روابط زیسته

روابط زیسته یکی از چهار بعد اصلی فضای زیسته‌ای است که ون منن^۱ در مطالعات پدیدارشناسی خود مطرح می‌کند. از نظر ون منن، رابطه زیسته رابطه‌ای است که ما با افراد دیگر در فضای بین فردی که با آن‌ها به اشتراک می‌گذاریم، برقرار می‌کنیم (Sánchez, 2010). گافمن^۲ چارچوب‌ها یا قواعد حاکم بر روابط و کنش‌های بشری را مورد تأکید قرار می‌دهد. قواعدی که در کنش‌های بشری، فرصت برای تعدیل، گریز و سرپیچی از آن‌ها وجود دارد (Iman & Golmoradi, 2011: 69). مطالعه حاضر در پی بازنمایی روابط زیسته زنان داستان و استخراج راهبرد ها و تاکتیک‌های برگزیده آنان، در چارچوب‌ها و قواعدی است که در حصار آن‌ها قرار دارند.

1. Manen, M. V.

2. Goffman, E.

۲-۲-۵. راهبرد و تاکتیک

میشل دوسرتو^۱ در کتاب *شیوه زندگی روزمره* بین دو مفهوم راهبرد و تاکتیک تفاوت قائل می‌شود. راهبرد به نهادها و ساختارهای قدرتی که تولیدکننده هستند مربوط‌اند؛ در حالی که تاکتیک‌ها به کنش‌های افراد در محیط‌های تعریف‌شده توسط راهبردها اشاره دارند. تاکتیک‌ها ذاتاً دفاعی و فرصت‌طلبانه هستند، به شیوه‌های محدود و به‌طور لحظه‌ای و گذرا در فضاهایی خاص، اعم از فضاهای فیزیکی یا روانی به کار گرفته می‌شوند. تاکتیک‌ها مثلاً تغییر چهره و لباس، متعجب کردن، احتیاط به خرج دادن، پنهان‌کاری، بازی کردن، لاف‌زدن و... به کارگیری نوآورانه امکانات موجود در شرایط راهبرد هستند (De Certeau, 1997: 36). در این پژوهش از راهبردها و به‌خصوص تاکتیک‌های زنان در مناسبات و تعاملات، رمزگشایی می‌شود.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، سه رمان محمد حجازی را به عنوان ژانری «سه‌گانه»^۲ بررسی می‌کند. در گام اول، خوانش اولیه سه رمان منتخب، انجام و بعد از فیش‌برداری، مضامین استخراج و بررسی شدند. سپس مضامین هر سه اثر مقایسه و الگوهای مشترک اولیه بر اساس فرانش‌های تعاملی، بازنمودی و ترکیبی مد نظر کرس و ون‌لیون استخراج شدند تا به نمایی کلی از بازنمایی تعاملات زنان در متون دست پیدا کنیم. از آنجا که تاکنون روش کرس و ون‌لیون صرفاً برای تحلیل تصاویر بصری مورد استفاده قرار گرفته‌اند و استفاده از این رویکرد در مطالعه حاضر برای تحلیل متون، برای اولین بار انجام گرفته است، حساسیت روشی بسیار زیاد بوده است. ابتدا ضمن خوانش متون، تصویرسازی‌های اولیه استخراج شدند. سپس صاحب‌نظران متخصص، صحنه‌ها، نقش‌ها و تعاملات بازنمایی‌شده را کنترل و ارزیابی کردند تا از چگونگی صحنه‌سازی و اولویت‌بندی‌های گفته‌پرداز در چیدمان مطالب مطمئن شوند.

تطبیق و بهره‌گیری از پیشینه تحقیق نیز شیوه اعتباریابی پژوهش حاضر است. به این معنی که نتایج بررسی مطالعات پیشین که رمان‌های منتخب (ضمن تفاوت در موضوعیت مطالعات) را بررسی کرده بودند، با مضامین مستخرج مقایسه شدند. در مجموع دو معیار انسجام یعنی تطابق میان عناصر مختلف پژوهش و سودمندی یعنی توان ایجاد تبیین علمی پدیده مدنظر، که از نظر ووداک و مایر (۲۰۰۱)، مهم‌ترین معیار ارزیابی اعتبار در تحلیل گفتمان هستند، مدنظر محققان بوده است.

1. de Certeau, M.

2. Trilogy

۳-۱. سؤالات پژوهش

۱. مناسبات و تعاملات زنان در رمان‌های محمد حجازی چه وجهی دارند؟
۲. زنان در تعاملات اجتماعی چه قدرتی دارند (فعال یا منفعل اند) و در چه مکان‌هایی بیشتر تعامل می‌کنند؟
۳. آیا زنان با ابژه‌های داستان تعامل دارند یا ابژه‌هایی هستند که مورد عمل واقع می‌شوند؟

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. فرانشی بازنمودی

معنای بازنمودی نشان از رابطه میان مشارکت‌کنندگانی دارد که در ساختاربنندی بصری به تصویر کشیده شده‌اند. در داستان زیبا، از ۲۰ شخصیت زن فقط دو زن به طور مداوم در خانه هستند. از نظر کمی، تعداد زنان اندرونی و خانه‌نشین در داستان‌ها خیلی کمتر از زنانی است که به دلایل مختلف به بیرون از خانه رفت‌وآمد می‌کنند. سوژه‌های زن اصلی داستان، چه پریچهر و زیبا، که دو زن بی‌عصمت در داستان هستند و چه همای تحصیل‌کرده، براساس موقعیتی که به آن‌ها اسناد داده شده، ارتباطاتی با کمیت و کیفیت متفاوت را تجربه می‌کنند.

از نظر همانندی یا ناهمانندی روابط را می‌توان براساس معیار جنسیت، به «درون‌جنسیتی» و «بین‌جنسیتی» تقسیم کرد. در روابط درون‌جنسیتی، متون روابط متخالفی براساس مهریانی، همدلی و گاهی همدست‌شدن زنان با یکدیگر، یا برعکس، رقابت و حسادت را بازنمایی می‌کنند. گرچه حجم روابط درون‌جنسیتی زنان بیشتر است، متون روابط بین‌جنسیتی متفاوتی را برای زنان به تصویر می‌کشند. علاوه بر زیبا و پریچهر که معروفه هستند و برقرارکردن روابط جنسی برایشان مداوم تکرار می‌شود، سایر زنان داستان‌ها نیز در مواقعی که ضرورت می‌دانند، با مردان انواع ارتباط را برقرار می‌کنند. ماه رخسار (داستان زیبا) در تلاش برای نجات زندگی و خلاصی از هووی خود (ماه جبین)، با شیخ حسین همدست می‌شود. او در غیاب همسرش برای پیداکردن راه حل، شیخ حسین را به خانه دعوت و با او مذاکره می‌کند. مهرالسلطنه نیز زمانی که پسرش مصطفی مورد سوءاستفاده رجال سیاسی قرار می‌گیرد، درنهایت عفت و درایت، به ادارات و با مردان رفت‌وآمد می‌کند. هما و مادرش نیز با وجود بی‌همسری، در ارتباط با مردان منعی ندارند.

این تقابل‌ها (درون‌جنسیتی - برون‌جنسیتی)، هم نشان از چالش‌های جدید جنسیت‌بنیاد دارد که برجسته‌سازی خود-دیگری‌های چندگانه را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های متون بازمی‌نمایند. درواقع تولید دگرسازی یکی از مفاهیم مهم آرای میشل فوکو است که «دیگری» در

اندیشه فوکو نه صرفاً یک فرد یا گروه متفاوت به عنوان دیگری در برابر «خود»، بلکه نشانی از اندیشه متفاوت، تفکر مخالف، گفتمان نوین و صورت‌بندی جدید قدرت است (Mousavi Jashani, 2013). رهاورد چنین تعریف دیگری در برابر خود است که مانع ترسیم یک الگوی کلی و واحد تعاملات و مناسبات زنانه می‌شود و ما به جای یک الگوی مطلق و واحد، شاهد خرده‌الگوهای ارتباطی متنوع و متعدد هستیم.

می‌توان گفت روابط‌زسته زنان داستان‌ها، به دلیل قرارگرفتن زنان در موقعیت‌ها و جایگاه‌های متنوع، در طیفی از سوژگی تا ابژگی تنوع می‌پذیرد. تفاوت فاحشی نیز میان روابط زنان تحصیل کرده با زنان کم‌تحصیلات‌تر وجود دارد. هما زنی تحصیل کرده است که متانت، وجهت، استقلال و قدرت‌داشتن در رابطه از مشخصات بارز اوست. ضمن اینکه به دلیل وجود ردپای گفتمان مردسالاری در کلیت داستان، هما بارها دست حسنعلی‌خان را می‌بوسد، اما هرگز کاملاً مطیع و فرمان‌بردار نیست. از گیتی، دختر فرنگی تحصیل کرده، نیز کنش‌های منحصربه‌فردی سر می‌زند: «گیتی تحصیل‌کرده فداکار رفت که آبروی خانواده را حفظ کند» (Hejazi, 1941: 467) و مرگ را بر زندگی با بدنامی ترجیح داد. اما زنان کم‌تحصیلات‌تر مانند رقیه خانم، پریچهر، زیبا و... یا بی‌سواد مانند مه‌لقا، فاطمه سلطان و... در رابطه با مردان در موضع پایین‌تر و گاهی تحت ستم دیده می‌شوند.

نکته مهم، کشاکش‌های گفتمانی است که متن داستان‌ها در تصویر روابط زنان، آن‌ها را می‌نمایاند. باور اینکه «زن جاهلی که تمام عمر را در اندرون زندگی کرده، کجا می‌تواند آدم‌شناس باشد» (Hejazi, 1941: 430)، نشانه جوانه‌زدن خرده‌گفتمان‌های روشنفکری و تجددخواه در مقابل گفتمان مردسالاری مسلط در روابط‌زسته زنان داستان است. اگر طلعت خانم، مادر خانه دار هما که کتاب خوان و چندان مدرن نیست، از شیخ حسین کتک می‌خورد، در موقعیتی دیگر، هما، که سخنگو و سمبل یک نسل جدید است، همان سلی را به گوش شیخ حسین می‌نوازد. اگر رقیه خانم علیل معتاد، زینب یتیم و مریم مظلوم نادیده گرفته شده‌اند و مه‌لقای بی‌سواد مورد ستم واقع شده است، همای باسواد، منوچهر را دنبال خود می‌کشاند و او را پای میز مذاکره می‌نشاند. اینان همان نماد ترک‌خوردن گفتمان سنتی مردسالارانه و جوانه‌زدن گفتمان‌های ناسیونالیستی تجددخواه برابر‌گرایانه‌تر هستند. ملی‌گرایی‌ای که در ضدیت با امپریالیسم، زنان را به عرصه عمل عمومی کشانید و آزادی زنان را یک رسالت عمومی می‌دانست که می‌بایست در دامن ملت تحقق می‌یافت (Sadeghi, 2005: 154)؛ بنابراین نه حرکت این دو گفتمان به موازات یکدیگر بوده و نه تفاوت‌ها و تقابل‌های را می‌توان نادیده گرفت؛ چرا که همین نادیده‌گرفتن‌ها است که به تقلیل‌گرایی و تعمیم‌دادن یک صفت آشکار به کل جامعه زنان منجر شده است. با در نظر گرفتن زنان داستان در

یک میدان رابطه‌ای، نمی‌توان گفت که همه زنان، سوژه‌هایی مسلط و توانمند و مستقل یا برعکس، ابژه‌هایی تحت ستم، دستورپذیر و خنثی در رابطه هستند.

۴-۲. الگوی بازنمایی مفهومی

براساس الگوی بازنمایی مفهومی، مکان حضور زنان داستان نشان می‌دهد که ایشان صرفاً در چار دیواری خانگی محبوس نیستند، بلکه به مکان‌های متفاوتی سر می‌زنند. مکان‌زیسته زنان، براساس شخصیت، جایگاه‌ها و موقعیت‌های آنان تنوع می‌پذیرد. زنان زیبارو و به‌مراتب مدرن‌تر در خیابان لاله‌زار و زنان سنتی‌تر در مراسم مذهبی رفت‌وآمد می‌کنند. در داستان‌های حجازی، هنوز زنان در محیط‌های اداری و کاری دیده نمی‌شوند و شغلی برای آن‌ها تعریف نشده است. درواقع زنان داستان گرچه از محیط خانه کماکان جدا شده‌اند و مکان‌های دیگری را هم تجربه می‌کنند، این امر برای آن‌ها شروع یک رخداد تازه و ابتدای قرارگرفتن در مسیر تغییرات است. تصاویر خلق شده، چنان می‌نمایند که زنان برای رسیدن به جایگاه‌های قدرت و حضور در مکان‌های بازتوزیع منافع و حصول مزایای اجتماعی، اغلب نیازمند واسطه مردان هستند و به لطایف‌الحیل درصدد جلب توجه مردان هستند؛ هرچند در موارد محدودی، آن‌ها با همکاری و تبادلی با همجنس‌های خود توانسته‌اند موفقیت‌های مختصری به‌دست آورند (مانند کمک دایه خانم به مهرالسلطنه برای رهایی از چنگ قدیم السادات). به‌رحال آن‌ها در آغاز راهی طولانی و پرسنگلاخ قرار گرفته‌اند و با حصول مطلوب‌ها فاصله زیادی دارند.

۴-۳. فراتش تعاملی

زاویه نگاه مشارکت‌کنندگان در یک رابطه، چگونگی قرارگرفتن آن‌ها، پیام یا درخواست‌های پنهان و آشکار آنان معنای تعاملی تصویر را شکل می‌دهند. تمام قاب‌هایی که در داستان، ارتباط هما با حسنعلی‌خان را به تصویر کشیده‌اند، نشان از این دارند که ضمن اینکه هما در ارتباط بسیار مؤدب و البته دست‌بوس است، سوژه‌ای مطیع نیست که به او تحکم کنند یا مجبور به انجام کاری شود. پریچهر نیز با این باور که «حس آزادی در خون من ریشه دارد» (Hejazi, 1965: 15) بیشتر با ترفندهای زنانه به مردان مقبولش نزدیک می‌شود و با بی‌پروایی، لذت‌بخش‌ترین روابط را برای خود طلب می‌کند. زن روستایی (زن کربلایی علی) برای پیدا کردن دخترش در تهران، خانه سید را پیدا می‌کند و تنهایی به روستا برمی‌گردد. ماهرخسار و ماهجبین (Hejazi, 1964: 350) در غیاب همسر،

مردان غریبه را به منزل راه می‌دهند و به گفت‌وگو می‌نشینند. می‌توان گفت زنان داستان قدرت اعتراض کردن و جنگیدن برای پیگیری خواسته‌ها و احقاق حق خود را کماکان دارند.

گرچه زنان در «ماکروفیزیک قدرت»^۱، قدرت وبری در ساختارهای حقوقی و سیاسی، از مردان کمتر قدرت دارند، اما در سطح «میکروفیزیک قدرت»^۲، مجموعه راهبردهای پیش‌برنده روابط مورد نظر فوکو، آنان از قدرت کافی برخوردارند. از نظر فوکو شرط وجود قدرت، «رابطه مستمر آن با مبارزه، مقاومت و آزادی است. اما هر جا نافرمانی و مقاومت به پایان برسد، قدرت هم پایان می‌یابد» (Foucault, 1999: 25-28). در موارد متعددی زنان داستان به‌گونه‌ای تصویر می‌شوند که در صورت نیاز، انواع تاکتیک‌های مقاومتی و دفاعی (مانند طنازی، فریب‌کاری و تجسس) را به کار می‌گیرند. تاکتیک‌هایی که بارها در مطالعات پیشین متأثر از مفروض و مشروع دانستن نظم مردسالارانه حاکم بر جامعه و روابط اجتماعی، به مثابه مصادیق مکر زنانه تعبیر شده‌اند. هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان زنان داستان، درواقع تاکتیکی برای استمداد همجنس در مواقع تظلم‌خواهی است. نویسنده هر چند گفتمان مردسالار مسلط زمانه را از نظر دور نمی‌دارد، اما قابلیت و تاکتیک‌های مختلف زنان برای درنوردیدن تظلمات مردسالارانه را نیز به تصویر می‌کشد.

شاید هم به‌زعم جسی برنارد (۱۳۸۴) هرچند زنان در دنیایی متفاوت با مردان زندگی می‌کنند، ترجیح می‌دهند سرگرم امور روزمره زندگی باشند و دغدغه‌ای از بابت رفت و آمدهای مردها نداشته باشند. اما اگر ضرورت اجاب کند، می‌توانند در برابر بدرفتاری مردان به خود سروسامان دهند و از خویش مراقبت کنند؛ برای مثال آن‌ها گاهی برای مقابله با مردهای مزاحم و متخاصم و «غلبه بر آن‌ها» با هم متحد می‌شوند و «همبستگی‌های موقت» می‌سازند (Bernard, 2005: 24). هنگامی که مادر منوچهر، پرده از راز همسر و دو فرزندداشتن منوچهر (Hejazi, 1964: 102) برمی‌دارد، از هما می‌خواهد که هرگز این راز را فاش نکند و هما نیز رازدار وفاداری است. در داستان زیبا، در بازه زمانی‌ای که شیخ حسین مادر، همسر و زینب دخترعمویش را رها کرد و رفت، زیبا «مخارج خانه را از بی‌خوابی‌های شبانه می‌دهد» (Hejazi, 1941: 300, 413).

براین اساس در بعد فرانشی تعاملی به‌نظر می‌رسد سه گانه حجازی، شروع موج جدیدی از روابط و آزادی نسبی در تعاملات را برای زنان گزارش می‌کند. گرچه جنس این تعاملات متناسب با شرایط زمانه، ابزاری و محدود به آشنایان و به‌منظور اقناع یا فراچنگ آوردن مردان یا جلب‌نظر آنان در مکان‌های عمومی است. آنان روابط فراخانوادگی را آغاز کرده‌اند که بسته به ماهیتشان می‌توانند در

1. Macrophysics of power
2. Microphysics of power

تقابل‌های دوتایی صمیمی یا غیرصمیمی، رسمی یا غیررسمی، برابر یا نابرابر، ضعیف یا قوی، فرادستی یا فرودستی، تن‌فروشانه یا دادخواهانه و... دسته‌بندی شوند.

۴-۴. فرانش ترکیبی (متنی)

کرس و ون لیون باور دارند که معانی ترکیبی یا متنی، عناصر تعاملی و بازمودی را با هم یکپارچه می‌کنند تا یک «کل معنادار» را تشکیل دهند (Ahmadi et al., 2020: 134). «ارزش اطلاعات» یا همان جایگاه قرارگرفتن عناصر در تصویر، یکی از منابع عمده فرانش ترکیبی است (Kothari & Momeni, 2020: 106). در این بعد، بر آنیم که بدانیم چه اطلاعاتی درمورد تعاملات زنان داستان در اولویت قرار گرفته است، بر کدام ابعاد ارتباطی زنان بیشتر تأکید شده است و در تعاملات و مناسبات، زنان فرودست به تصویر کشیده شده‌اند یا فرادست؟

براساس مضامین متون، آنگاه که زنی به داستان وارد شده و در فرایند تعامل قرار گرفته، اولین ویژگی‌هایی که از او گزارش شده مشخصه‌های جسمانی و سبک لباس‌پوشیدن او بوده است. همای تحصیل کرده، کتاب‌خوان، کنجکاو در فهمیدن، متین، قدرشناس، رازدار، مهربان و فرشته‌صفت و به‌نوعی خطاشکن در زمانه خودش است. هما در تعاملات آزاد است و کاملاً عقلانی رفتار می‌کند. هما بدون اجازه حسنعلی‌خان با منوچهر دیدار و صحبت کرده است (Hejazi, 1964: 33). مادر جان شما نمی‌دانید که من بچه نیستم و از خودم رأی دارم. هرچه صلاح باشد خواهم کرد (Ibid: 115). هما به شیخ حسین می‌گوید: تنها رفتن من به خانه شما اهمیتی ندارد. شما پدر من هستید. اما من از اینجا حرکت نمی‌کنم (Ibid: 122).

زیبا، زنی شهری و فاحشه، به صفات تروتیمیز، لباس‌پوشیدن متفاوت، بی‌حیا، شراب‌خوار، همیشه بزرگ کرده، فتانه و زرنگ، حلال مشکلات، دلسوز و مهربان، مرغی وحشی و ماهی لیز منتسب شده است. او در ارتباطات اجتماعی بسیار سهل‌گیر است و بیشترین بعد ارتباطی او، بر مدار جنسیت و ارتباط جنسی می‌چرخد.

زیبا تقاضای جاری‌شدن صیغه با پسر جوانی به نام مهدی را دارد (Hejazi, 1941: 38). جاری‌شدن صیغه محرمیت بین زیبا و آشیش حسین طبق درخواست زیبا صورت می‌گیرد (Ibid: 152). من پول لازمم و با آقایان محترم با ادب حرف می‌زنم (Ibid: 198). زیبا با یکی از خان‌های لر که حاکم همدان شده بود رفت (Ibid: 299).

یکی از شاخص‌های مهم درخصوص تعاملات و مناسبات زنان داستان، «توزیع ستم جنسیتی منابع مدار» است. به این معنی که هرچه سهم زنان از انواع مزایای فردی-اجتماعی کمتر بوده، در

تعاملات و برقراری روابط، در موضع ضعیف تری از قدرت قرار گرفته‌اند. اما منشأ نابرابری‌های زنان، آن‌گونه که مارکسیست‌ها می‌گویند، منحصر به قدرت اقتصادی نیست؛ زیرا برای هیچ‌کدام از زنان این سه داستان شغل و درآمدی تعریف نشده است، بلکه به زبان وبری، بیشتر ملاک‌های غیراقتصادی هستند که منزلت اجتماعی زنان را رقم زده‌اند. در نظریه وبر، منزلت به معنای تفاوت در میزان احترام یا شأن اجتماعی است که دیگران به افراد و گروه‌ها نسبت می‌دهند (Giddens, 2014: 413). به‌زعم وبر، درک تطبیقی منزلت‌های درون‌فهمی شده، به کارکرد درجات معینی از قدرت، ثروت و حیثیت در تنظیم رابطه اجتماعی بستگی دارد (Firouzian, 2016).

سوروکین نیز بر این باور است که اولین ملاک تعیین بخش جایگاه اجتماعی «ناشی از اختلافات فردی موروثی و تفاوت شرایط محیط» است (همان). لیلا دختر دهاتی را پدر و مادرش به دلیل فقر، به جای مالیات، به ازدواج پیرمردی درمی‌آورند. زینب و مه‌لقا، هر دو در کودکی خانواده‌شان را از دست داده‌اند و در سنی کم، به عقد پسرخاله‌ای که دوستشان ندارد درمی‌آیند. درواقع سبک زندگی و سرانجام زنان داستان، به‌زعم بوردیو به نوع و ترکیب سرمایه‌هایی که دارند کاملاً مرتبط است. بوردیو انواع سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین را برای نبرد و مبارزه در میدان‌های اجتماعی لازم می‌داند (Ritzer, 2011: 708).

۵. بحث و نتیجه‌گیری

اگر بازه زمانی جنبش مشروطه تا پایان پهلوی اول را ظهور آغازین و تشدید تدریجی فرایند مدرنیته در ایران بدانیم، می‌توان گفت نقطه پیدایی مسئله زنانگی و هویت زن، مانند سایر مفاهیم و مباحث مدرن در این دوره، نمود پیدا می‌کند. در این راستا، پژوهش حاضر تحلیل تعاملات زنان را به عنوان بعد مهمی از ظهور تغییرات و اندیشه‌های تجدد در ایران که می‌توانند در آثار ادبی گوناگون از جمله رمان بازنمایی شوند، بررسی کرده است. بر این اساس سه رمان محمد حجازی، به عنوان نمونه‌هایی از رمان‌های رایج دوره پهلوی اول، مطالعه شدند. سؤال اساسی تحقیق این بود که زنان و تعاملاتشان در جایگاه‌های مختلف در دوره پهلوی اول در داستان‌های حجازی چگونه بازنمایی شده است. تحلیل داده‌ها بر اساس روش نشانه‌شناختی کرس و ون لیون در سه الگوی فرانش بازنمودی، تعاملی و ترکیبی انجام گرفت. براساس تحلیل داده‌ها می‌توان گفت گونه‌های هویت زنانگی بازنمایی‌شده زنان در این رمان‌های سه‌گانه، تبلوری از مقوله مرکزی ترکیبی دین، سنت و مدرنیته‌اند. به عبارتی صریح‌تر، انواع مفاهیم، مضامین، تعاملات، استدلال‌ها، آیین‌ها، توجیه‌ها و تخاصمات مبتنی بر دین، سنت و تجدد در جای‌جای رمان‌ها به چشم می‌خورد. براساس این دال برتر، زنان داستان‌ها را

می‌توان به گونه‌ای ترسیم کرد که در گروه‌بندی‌های عمدتاً دوتایی قرار گرفته‌اند. به عبارتی، بر خلاف گفتمان عمومی رایج که زن سنتی به معنی منفرد تصور می‌شود، الگوهای زنانگی در رمان‌های حجازی به صورت جمع بازنمایی شده‌اند؛ الگوهایی که بسته به ویژگی‌ها و سرمایه‌های فردی و منابع اقتصادی-اجتماعی زنان، آنان را درگیر سرنوشت و تعاملات کیفی متفاوتی کرده است.

به‌طور کلی روایت حجازی از زنان داستان‌هایش، روایت عبور از خرده‌گفتمان‌های سنتی‌تر و حرکت زنان برای رسیدن به فردیت و فاعلیت بیشتر است. می‌توان گفت زنان بازنمایی شده دیگر محصور و محبوس در خانه نیستند و به عنوان جزئی از یک جامعه در حال گذار، به سمت تغییر دادن الگوهای تعامل و هویت‌یابی سنتی حرکت می‌کنند. اما موانع و چالش‌های پیش‌روی زنان هنوز برجسته می‌نمایند. هرچند حجازی با بیانی طنزگونه، گفتمان‌های مردانه مسلط و جهت‌دهنده هویت، تعاملات و مناسبات زنان را به تصویر می‌کشد، در جای‌جای رمان‌هایش، زنانی را بازنمایی می‌کند که با تاکتیک‌های متفاوت، گفتمان و انگاره‌های سنتی-مذهبی حاکم بر آن دوره را به چالش می‌کشند.

الگوی بازنمایی تعاملی زنان نیز نشان می‌دهد زنان کاملاً بیگانه و طردشده نیستند، اما فعالیت اجتماعی که زیر چتر مردسالاری برای آن‌ها آغاز شده، هنوز ابتدای مسیر است. زنان داستان‌های حجازی فقط ابژه‌هایی نیستند که مورد عمل واقع شوند، بلکه سوژه‌هایی هستند که بسته به جایگاهشان دست به عمل می‌زنند و به زعم میشل دوسرتو، تاکتیک‌هایی را هم برای مقابله و مقاومت فرامی‌گیرند و اجرا می‌کنند. درواقع در داستان‌ها، دو گفتمان سنتی و تجددخواه، به موازات یکدیگر ترسیم می‌شوند که گاهی نیز نوعی «تخاصم گفتمانی» منجر می‌شود؛ تخصصی که برجستگی نوعی گفتمان روشنفکری میانه‌رو را به نمایش می‌گذارد. حجازی، با چشم‌اندازی تا حدودی انتقادی، توانمندی جدید زنان در پرتوی نهادهای ساختاری و فرهنگی مدرن ایران نوین را تصویرپردازی کرده است. در رمان‌های او، با قراردادن سوژه‌های زن در بافت مکانی-زمانی خود می‌توان خرده‌الگوهای ارتباطی را استخراج کرد و براساس آن‌ها زنان را در تقابل‌های دوتایی سنتی یا مدرن، فعال یا منفعل، برابر یا نابرابر، ضعیف یا قوی و فرادست یا فرودست قرار داد؛ بنابراین نمی‌توان گفت بازنمایی زنان در این رمان‌ها براساس کلیشه‌های کلی، انتزاعی و جنسیتی زن ضعیف، مخدوش و ناتوان صورت گرفته است. حجازی به صورت‌هایی معتقد است که توانایی‌ها و سرمایه‌های فرهنگی نوین و متجددانه مانند سواد، کتاب‌های درسی، مجلات و رمان‌ها می‌توانند موجب دگرگونی و توسعه هویت‌های سنتی زنان و الگوهای تعاملاتی آنان شوند. دگرگونی‌های که به نوبه خود می‌توانند با آسیب‌هایی جدی برای زنان یا نهادهای مهم همراه باشد.

۶. تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافی است.

References

- Abbaszadeh, Sh., Khodabakhshi, A., & Khademzadeh, V. (2020). Study the issue of objectivity and eloquent subjectivity in architecture with a phenomenological method. *The 7th Scientific-Research Conference on the Development and Promotion of Architectural Sciences and Urban Planning*. <https://civilica.com/doc/1180514> (In Persian)
- Ahmadi, H., Babasalari, Z., Yazdani, S., & Rabi, A. (2020). The Social-Semiotic Study of the Images in Persian language-learning Textbook. *Journal of Teaching Persian to Speakers of Other Languages*, 9(1), 129-148. <https://doi.org/10.30479/jtpsol.2020.12764.1471> (In Persian)
- Alizadeh, A., & Tarafdari, A. M. (2010). The influence of nationalism discourse on the social and cultural developments of the first Pahlavi period. *Research Journal of History*, 5(19), 99-122. (In Persian)
- Amoussou, F., & Allagbe, A. A. (2018). Principles, theories and approaches to critical discourse analysis. *International Journal on Studies in English Language and Literature*, 6(1), 11-18. <http://dx.doi.org/10.20431/2347-3134.0601002>
- Barekat, M., & Shafiee, S. S. (2020). Social Semiotic Analysis of women in the pictures of kid's Story Book/Hobby. *Journal of Culture-Communication Studies*, 20(48), 61-86. <https://doi.org/10.22083/jccs.2019.161672.2660> (In Persian)
- Bernard, J. (2005). *The world of women*. Translated by: Sh. Zufan. Tehran: Akhtaran Publishing House. (In Persian)
- De Certeau, M. (1997). *Practice of Everyday Life*. London: University of California Press.
- Fazeli, N. A. (2013). Woman and Power in a Family (An analysis of quality of the content of six bestselling novels in the last decade. *Sociological Journal of Art and Literature*, 5(1), 53-81. <https://doi.org/10.22059/jsal.2013.51007> (In Persian)

- Firouzian, S. (2016). Investigation of the relationship between inequality and the emergence of social classes. *Of the 4th International Research Conference in Science and Technology, Petersburg*. (In Persian)
- Foucault, M. (1999). *Care and punishment*. Translated by: N. Sarkhosh & A. Jahandideh. Tehran: Ney. (In Persian)
- Furqani, M. M., & Akbarzadeh Jahormi, S. J. (2011). Presenting a model for Critical Discourse Analysis of Movies. *Journal of Culture-Communication Studies*, 12(16), 129-157.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20088760.1390.12.16.4.5> (In Persian)
- Gassman, J. Y. (2006). A textual analysis of the role of women in historical fiction for young people. <https://scholarworks.uni.edu/grp/3/>
- Giddens, A (2014). *Sociology* (9th Ed.). Translated by: H. Chavoshian. Tehran: Ney. (In Persian)
- Gordan, M., & Almutairi, A. S. (2013). Resistance, a facet of post-colonialism in women characters of Khaled Hosseini's thousand splendid suns. *International journal of applied Linguistics and English Literature*, 2(3), 240-247.
- Grafström, M., & Jonsson, A. (2019). Professional blinders? The novel as an eye-opener in organizational analysis. *Culture and Organization*, 25(2), 146-158. <https://doi.org/10.1080/14759551.2018.1508212>
- Hall, S. (2014). *Meaning, culture, and social life*. Translated by: A. Golmohammadi. Tehran: Ney. (In Persian)
- Hejazi, M. (1941). *Ziba*. Ibn Sina Publications. (In Persian)
- Hejazi, M. (1964). *Homa*. Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
- Hejazi, M. (1965). *Parichehr*. Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
- Iman, M. T., & Golmoradi, M. (2011). Methodology of Goffman's Social Theory. *Women's Sociology Quarterly*, 2(2), 59-78. (In Persian)
- Jorgensen, M., & Phillips, L. (2018). *Theory and method in discourse analysis*. Translated by: H. Jalili. Tehran: Ney. (In Persian)
- Karimi Sangdehi, G., Sattari, R., & Hassani, S.G. (2021). Analysis of the representation of gender culture in the novels of Iranian women writers over three decades. *Journal Woman in Culture and Art*, 13(2), 291-318.
<https://doi.org/10.22059/jwica.2021.320505.1559> (In Persian)

- Kiren, A., & Awan, A. (2717)7Critical Discourse Analysis Of Jane Austien's Novel PPride And Prejudices". *Global Journal of Management, Social Sciences and Humanities*, 3(3), 482-498.
- Kothari, M., & Momeni, A. (2023) Critical Discourse Analysis Representing the Discourse Confrontation of, Damascus Time, Movie with Theo van Leeuwen Approach. *Scientific Quarterly of Culture-Communication Studies*, 22(60), 125-99. <https://doi.org/10.22083/jccs.2022.332857.3567> (In Persian)
- Mahdizadeh, M. (2008). *Media and representation*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Media Production Office. (In Persian)
- Merten, R. K. (1997). *Social problems and sociological theories*. Translated by: N. Tavallaei. Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
- Mohammadzadeh, H. (2020). Representation of Women in Sherko Bikas Poems. *Sociology of Culture and Art*, 2(2), 88-101. https://scart.uok.ac.ir/article_61541.html (In Persian)
- Moinifar, H. S. (2009). Representation of gender stereotypes in the media, a case study of the events page of Hamshahri newspaper. *Cultural Research Quarterly*, 2(3), 167-197. <https://doi.org/10.7508/ijcr.2009.07.008> (In Persian)
- Mokhtari, M., & Dehghani, H. (2021). The lived experience of women heads of households in social relations in Yasouj city. *Women and Family Studies Quarterly*, 9(3), 101-78. <https://doi.org/10.22051/jwfs.2021.34799.2634> (In Persian)
- Mousavi Jashani, S. S.(2013). Otherization in Imam Khomeini's Cultural Discourse. *Metin Research Journal*, 15(60). <https://ensani.ir/file/download/article/20140305152057-987> (In Persian)
- Mousavi, M., & Zahidian, E. (2013). Effective factors in women's social interactions in urban spaces, a case study: Shahriar Koi Vali Asr (AS) pedestrian walkway in Tabriz city. *Journal of Women and Family Studies*, 6(21), 145-166. (In Persian)
- Munawar, B. (2018). Discourse in Matrix of Power: The Textual Analysis of First Presidential Speech by Donald. J. Trump at White House in the Context of Norman Fairclough's Modal of Three vevels of Discourse. *International Journal of Applied Linguistics & English Literature*.

- Nagatilak, H. R. (2015). *An Analysis of the Representation of Women Characters in Some of the Novels of Thomas Hardy*. Damajian's Research Endeavours, Editor Prin. Dr. N.B. Pawa. Published by: Thematics Publications.
- Nojoomian, A. A. (2006). *An introduction to postmodernism in literature*. (In Persian)
- Ritzer, G. (2011). *Sociological theory in the contemporary era*. Translated by: M. Talasi. Tehran: Elmi. (In Persian)
- Sadeghi Shahiri, R., & Mahdinejad, E. (2020). Examining the manifestations and types of violence against women in five novels of the 1970s. *Literary Research Quarterly*, 16(66), 91-119. <http://lire.modares.ac.ir/article-41-44134-fa.html> (In Persian)
- Sadeghi, F. (2005). *Gender, nationalism, and modernity in Iran*. Tehran: Qaseidasara Publishing House. (In Persian)
- Sayadinejad, R., & Mortezaei, Z. (2017). Comparative study of the female face in the works of Fariba Wafi and Sahar Khalifa. A case example: My Bird and Lam Naad Jovari Lakm's novels. *Scientific-Research Quarterly of Women and Culture*, 9(34), 8-63. (In Persian)
- Van Zonen, L. (2004). *Feminist Approaches to the Media*. Translated by: M. R. Hassanzadeh & S. H. Raeiszadeh. *Media Quarterly*, 11(1), 61-86. (In Persian)